

کرامت انسان در قرآن و جایگاه آن در
اشعار مولوی (در مثنوی)

سمیه نظری
فصلیه علی پور دهاقانی
و با همکاری مدرسه عذریه الزهرا سلام الله علیها (شیرستان دهاقان)



نشر دارخوین
۱۳۹۳

سرشناسه: نظری، سمیه، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور: مبانی کرامت انسان در قرآن و جایگاه آن در اشعار مولوی (در مثنوی)/
نویسندگان سمیه نظری، فاطمه علی پوردهاقانی، حوزه علمیه خواهران الزهرا
شهرستان دهقان.

مشخصات نشر: اصفهان: نشر دارخوین، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۰۸ ص

شابک: ۹۷۸۰ ۶۰۰۰ ۷۳۰۰۰ ۱۰۰ ۷

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. - نقد و تفسیر

موضوع: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۴ ق. - مثنوی - انسان

موضوع: انسان (اسلام) - جنبه های قرآنی

موضوع: شعر فارسی - قرن ۷ ق. - تاریخ و نقد

موضوع: انسان در ادبیات

شناسه افزوده: علی پور دهقانی، فاطمه، ۱۳۶۹ -

شناسه افزوده: مدرسه علمیه الزهرا سلام الله علیها (شهرستان دهقان)

شماره ثبت کتابخانه: ۱۳۹۲ م ۶۳۲۵/۵ PIR

شماره ثبت کتابخانه: ۸۵۱/۳۱

شماره ثبت کتابخانه: ۳۳۶۴۴۰۵



مبانی کرامت انسان در قرآن و جایگاه آن در اشعار مولوی (در مثنوی)

سمیه نظری - فاطمه علی پور دهقانی
و با همکاری مدرسه علمیه الزهرا سلام الله علیها
(شهرستان دهقان)

ناشر: دارخوین

نوبت چاپ: اول بهار ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۰۰۰

صفحه آرای: حامد شاه مرادی

طرح جلد: سید رضا موسوی

شابک: ۹۷۸۰ ۶۰۰۰ ۷۳۰۰۰ ۱۰۰ ۷

مرکز یختی: اصفهان، نشر دارخوین

۰۲۱۳ ۷۸۷ ۲۵۱۲

۰۲۱۱ ۲۲۵ ۷۸۷۹

Edar@Chmail.ir

۱۳	فصل اول: بیان مفاهیم و گذری بر زندگی و آثار مولوی
۱۵	تعریف مفاهیم کلیدی
۱۶	نگاهی نامه مولوی
۲۱	آثار مولوی
۳۲	مولوی و قرآن
۲۷	فصل دوم: بررسی مفهومی واژه کرامت
۲۹	بررسی کرامت از منظر لغوی
۳۲	بررسی کرامت از نظر اصطلاحی
۳۳	کرامت ذاتی
۴۳	کرامت ارزشی (اکتسابی)
۵۳	محدوده کسب کرامت
۷۳	دامنه کرامت انسان
۹۳	مصادیق کرامت انسان در قرآن
۷۴	فصل سوم: تجلی کرامت انسان در مثنوی
۹۴	نگاه عارفانه مولوی به انسان شناسی
۱۱۱	سخن آخر
۱۱۳	فهرست منابع

از آن جایی که خداوند در قرآن فرموده است ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبَحَرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنْ ثَمَرَاتٍ غُلِيظَاتٍ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾^۱ انسان در بین موجودات مینویز و آسمانی دارای کرامت خاصی است، یعنی خداوند از نظر ظاهر و باطن امتیازاتی را به انسان داده است، که او را از دیگر موجودات متمایز کرده است از جمله این که او را خلیفه بر زمین و جانشین خود معرفی، به او امانت اعطا کرده و... از این رو انسان با این همه امتیازات و استعدادهای باید راهی را در پیش بگیرد تا بتواند تمام استعدادهای خدادادی خود را شکوفا کند، و در اصل باید خود را و تمام امتیازات خود را بشناسد تا بتواند به اعلا مرتبه وجودی خود برسد، از طرفی مولوی نیز در اشعار خود بسیار از آیات قرآن استفاده کرده است و به این علت که مولوی را با صحنوی و دیوان شمس می‌شناسند و اشعار او نه تنها در ایران بلکه در تمام نقاط جهان مورد استقبال واقع شده است، علاوه بر این آیات قرآن که در مورد انسان آورده شده است، در مثنوی بسیار به چشم می‌خورد تا جایی که استاد اشعار فارسی او را «انسان شناس معرفی کرده‌اند و حتی مثنوی را تفسیر عرفانی قرآن کریم نیز معرفی کرده‌اند، پس می‌توان آیات مبینی بر کرامت انسان را در اشعار مولوی جستجو کرد. خداوند انسان را همراه با شرافت و کرامت خاص خلق کرد، و از همان ابتدای خلقت به ملائکه دستور داد تا به او سجده کنند، کرامت همان شخصیت انسانی است، که هر انسانی باید بداند که دارای چه مقام بلندی است و چون خود را آن چنان والا مقام حس کند، دیگر محال است به مقامات پایین سقوط کند.

البته خداوند ما را در این راه که پر از سختی‌های گوناگون است بدون راهنما رها نکرده و افرادی را به عنوان الگو و راهنما برای ما فرستاده که نمونه‌ای از انسان کامل هستند تا بتوانیم با تأسی از آن‌ها به سر منزل مقصود برسیم، آن‌ها کسانی نیستند جز انبیاء الهی و ائمه اطهار علیهم السلام که می‌توان آن‌ها را خلفای بر حق خداوند بر زمین نامید.

البته مقامات بلند انسانی چیزی نیست که دست نیافتنی باشد، بلکه تمامی انسان‌ها می‌توانند به این مقام‌ها دست پیدا کنند و تمامی استعدادهایی را که قرار است انسان به مقامات بالا برسانند، خداوند از قبل در وجود همه قرار داده است، در حالی که برخی از آن‌ها استفاده کرده و آن‌ها را شکوفا می‌کنند و بعضی دیگر از آن‌ها استفاده نکرده و استعداد خود را کور می‌کنند.

سر منش تمام مفلوحتها و لغزش‌های انسانی همین نکته می‌تواند باشد که انسان‌ها نمی‌دانند که از کجا آمده‌اند و برای چه به این جهان آورده شده‌اند به کجا می‌روند و سر منزل اصلی آن‌ها را نباید بدی آن‌ها کجاست، نمی‌دانند که خداوند برای آن‌ها مقرر کرده است که چند روزی در این جهان زندگی کنند تا توشه بر گیرند و بعد از آن تازه زندگی جاودانه آن‌ها شروع می‌شود.

اگر انسان بتواند خود را بشناسد، به تعبیر همان حدیث معروف «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»، و اگر کسی خدا را بشناسد، با تمام وجود به عبادت پروردگار خود می‌پردازد، و وقتی شخصی با تمام وجود به سوی پروردگار حرکت کند و تمام وجود خود را در راه رسیدن به پروردگار به کار گیرد، خدا به او خواهد رسید.

از طرفی قرآن کتاب انسان شناسی است و هر آن‌کس که یک انسان تا آخر الزمان برای زندگی در این دنیا به آن نیاز داشته باشد در قرآن و تفسیر آن درود. از این رو خداوند در قرآن آیاتی را قرار داده تا توسط آن‌ها انسان بیشتر به خودش و خود پی ببرد، بداند که زندگی او فقط محدود به این دنیا نیست، هر انسان که در این دنیا پای می‌گذارد در اصل زندگی جاودانه خود را آغاز کرده است و مرگ به معنی ندارد، خداوند او را محدود نیافریده است، او باید بداند که زندگی در این دنیا مقدمه است برای آخرت، پس وقتی شرافت خود را درک کند، می‌تواند این مسیر را بهتر طی کند و از راه اصلی منحرف نشود.

مثلا یک دانش آموز وقتی بداند استعداد پزشک شدن را دارد تمام وقت خود را در راستای این هدف صرف می کند، تا به این هدف خود برسد. و دیگر از مسیر خود منحرف نمی شود و وقت خود را صرف چیزهای بیهوده نمی کند و آن قدر تلاش می کند تا به مقصد نهایی خود دست پیدا کند.

www.ketab.ir